

تاریخ و تمدن اسلامی، سال دوازدهم، شماره بیست و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۲۹-۴۵

کاغذ بغدادی در قرون نخستین اسلامی بازخوانی یک انگاره^۱

مهدی مجتهدی^۲

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

یکی از مهم‌ترین رویدادهایی که بر پویای فرهنگ‌های مسلمانان تأثیر بی‌بدیل و پایدار نهاد آشنایی آنان با کاغذ و صنعت کاغذسازی از سال‌های میانی سده دوم هجری بود. در بسیاری از تحقیقات جدید، چنین ادعا شده که ایجاد صنعت کاغذسازی در بغداد و تولید کاغذ بغدادی با چند دهه نخستین تولد این شهر هم‌زمان بوده است. بر پایه این تحقیقات که بر گزارش‌هایی از منابع نسبتاً متأخر استوار شده، چندسالی پس از ساخت کاغذ در سمرقند (حدود ۱۷۹هـ)، تولید کاغذ در بغداد به دستور فضل بن یحیی برمکی، وزیر هارون الرشید (حک. ۱۷۰-۱۹۳)، آغاز شد. در مقاله پیش رو، با استدلال بر متأخر بودن نسبی منابع مورد استناد این دست از تحقیقات و نیز با ذکر شواهدی چون انحصار تولید کاغذ در چین و سمرقند و نیز اتکای بغداد به واردات کاغذ از این سرزمین‌ها تا سده ششم هجری، معلوم شده که قدمت وجود کاغذ بغدادی از سده هفتم که یاقوت حموی از وجود آن در بغداد خبر داده فراتر نمی‌رود.

کلیدواژه‌ها: کاغذسازی در دوره اسلامی، کاغذ بغدادی، کاغذسازی در سمرقند.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۲۰. پیراستگی، رسایی و انسجام این مقاله حاصل ویرایش صوری و محتوایی ویراستار فاضل و خوش‌قریحه مجله است (سرمدییر).

۲. رایانامه: mmojtahedi@um.ac.ir

مقدمه

مسلمانان تا پیش از آشنایی با کاغذ، نوشتنی‌های خویش را ابتدا بر استخوان کتف شتر، سنگ پهن سفید و شاخه درخت خرما و بعدها بر پوست گاو، گاو میش و گوسفند و نیز طومار مصری (قرطاس یا همان پاپیروس) می‌نوشتند.^۳ کمی پس از نبرد طراز^۴ که پیش از نیمه قرن دوم هجری رخ داد، سمرقند به اولین مرکز تولید کاغذ در سرزمین‌های اسلامی تبدیل شد. در اغلب تحقیقاتی^۵ که به فراخور موضوع، سخنی از کاغذ به میان آمده، ادعا شده که به فاصله اندکی پس از ساخت کاغذ در سمرقند، ساخت آن در بغداد نیز آغاز شد. برای ارزیابی چنین مدعیاتی می‌باید به بازخوانی مستندات تاریخی آنها پرداخت.

تاریخ ساخت کاغذ سمرقندی

بنا بر نوشته محمد بن اسحاق الندیم (زنده در اواخر قرن چهارم ه) نخستین بار صنعتگرانی از میان چینیان، در خراسان به ساخت کاغذ بر گرده کاغذهای چینی، دست زدند.^۶ این گفته او به حادثه جنگ طراز اشاره دارد که در حدود سال ۱۳۴ ه در کنار رود طراز^۷ در شرق سیبجاب، واقع در مناطق شمالی تر رود سیحون، میان مسلمانان با چینیان روی داد و به شکست چینیان انجامید و قریب بیست هزار تن از آنان به اسارت جنگجویان مسلمان درآمدند.^۸ در میان این اسیران، پیشه‌ورانی هم بودند که در ساخت کاغذ مهارت داشتند. این گزارش ابن ندیم در آثار ابومنصور ثعالبی (د ۴۲۹ ه) نیز به گونه‌ای بازتاب یافته است.^۹ هم-

۳. ندیم، ۲۲.

۴. نک. ادامه مقاله.

۵. این مقاله بر نقد کتاب‌های فارسی که اغلب به عنوان منابع دروس تاریخ و تمدن اسلامی هستند تأکید شده است.

۶. ندیم، ۲۳.

۷. طراز به کسر و فتح طاء، یاقوت، ۲۷/۴.

۸. ابن اثیر، ۴۴۹/۵، ابن خلدون، ۲۲۴/۳.

۹. ثعالبی، ثمارالقلوب، ۵۴۳؛ همو، لطائف المعارف، ۱۲۶.

زمان با ثعالبی، ابوریحان بیرونی (د ۴۴۰ هـ) هم در ضمن سخن گفتن از موادی که مسلمانان بر روی آنها می‌نوشته‌اند، از پوست، قرطاس^{۱۰} و کاغذ نیز نام برده است؛ وی افزوده که صنعت ساخت کاغذ را اسیران چینی در سمرقند ایجاد کردند.^{۱۱}

ساخت کاغذ بغدادی در تحقیقات جدید

در شماری از تحقیقات جدید،^{۱۲} به‌ویژه تحقیقات فارسی‌زبان، هنگام اشاره به شکوه عصر عباسی، اغلب از ساخت کاغذ در بغداد یاد شده است. در این تحقیقات، پس از اشاره به ماجرای ساختن کاغذ در سمرقند، ادعا شده که صنعت کاغذسازی چند سال پس از سمرقند به بغداد هم راه یافت.^{۱۳} در برخی از این پژوهش‌ها بر وجود کارخانه کاغذسازی در بغداد در قرن دوم هجری تصریح^{۱۴} و افتخار ایجاد این صنعت در شهر نو بنیاد بغداد به فضل بن یحیی برمکی، وزیر هارون الرشید، اعطا شده است.^{۱۵} برخی از این محققان از این نیز فراتر آمده، با ذکر جزئیات، از اقدام فضل برمکی در انتقال صنعتگران ماهر خراسانی به بغداد و ایجاد کارخانه‌های کاغذسازی در این شهر سخن گفته‌اند.^{۱۶} به زعم اینان، ربع قرن پس از رواج ساخت کاغذ در سمرقند، این صنعت و فناوری آن به بغداد رسید.^{۱۷}

۱۰. جمع آن: قراطیس. معادل پاپیروس یا ورق البردی. Sellheim, S.v., "Kirtās"

۱۱. بیرونی، ۱۱۹.

۱۲. همان‌طور که در مقدمه گفته شد، در این مقاله بر نقد کتاب‌های فارسی که اغلب به عنوان منابع دروس تاریخ و تمدن اسلامی‌اند تأکید شده است.

۱۳. رباصی، ۲۱۹.

۱۴. حتی، ۴۴۰؛ زرین کوب، ۴۰.

۱۵. حتی، ۵۳۱.

۱۶. حبیبی، ۳۴۷.

۱۷. روسو، ۱۶۳.

منبع جمعی از این نویسندگان که قائل به ورود زود هنگام صنعت کاغذ به بغدادند، کتاب کارنامه اسلام است^{۱۸} و گروهی نیز این باور را به مدخل «کاغذ» در دائرة المعارف فارسی مصاحب مستند کرده‌اند.^{۱۹} اینان در این استناد جانب امانت‌داری را رعایت نکرده‌اند و با نقل خویش چنین وانموده‌اند که گویا مصاحب به طور قطعی چنین خبری داده، در حالی که گزارش او قطعیتی ندارد: «گویند فضل بن یحیی برمکی نخستین کسی بوده است که در بغداد کارخانه کاغذسازی دایر کرد».^{۲۰} صرف نظر از بیان تردیدآمیز مصاحب در این جمله، نمی‌توان در درستی استناد به چنین دائرة المعارفی که منابعش را نیز ذکر نمی‌کند، تردید نکرد.

بعضی از محققان نیز بدون ذکر هیچ منبعی، از ساخت کاغذ در بغداد سخن گفته‌اند^{۲۱} و یا با بی‌دقتی در نقل از مقدمه ابن‌خلدون، به جای فضل، پدرش یحیی را بنیان‌گذار کارگاه‌های کاغذسازی در بغداد انگاشته^{۲۲} و با وجود اتفاق منابع اصیل بر آغاز کاغذسازی پس از نبرد طراز، این رخداد را به فتح سمرقند، که در حدود سال ۸۵ هـ روی داده، منسوب کرده‌اند.^{۲۳}

در شماری از تحقیقات جدید،^{۲۴} کاغذسازی در کنار چرم‌سازی در شمار دو صنعت مهم بغداد ذکر شده است؛ مستند این تحقیقات مدخل «بغداد»، در دایرة المعارف

۱۸. دمیرچی، ۴۴؛ گفتنی است که زرین کوب به کتاب روسو ارجاع داده و روسو نیز سندی ارائه نکرده است.

۱۹. ولایتی، ۲۷؛ اسلامی فرد، ۳۹.

۲۰. مصاحب، ۲۱۴۴/۲. قس: مایل هروی، ۲۵۱ به بعد؛ اگرچه یک جا عبارت «کارگاه‌های کاغذسازی سمرقند و بغداد» را به کار برده است، ولی در معرفی انواع کاغذ، از کاغذ بغدادی یاد نکرده است.

۲۱. زیدان، ۲۰۴؛ روسو، ۱۶۳.

۲۲. جان احمدی، ۱۰۳، ۱۲۱؛ تکرار این خطا، احتمال سهو القلم را بعید می‌نمایاند.

۲۳. همو، ۱۲۰.

۲۴. بینش، ۹۹؛ قره چانلو، ۲۶۰/۲؛ این دو به ترتیب هرکدام از ترجمه آن مدخل با این مشخصات استفاده کرده‌اند: الف: دوری، «بغداد»، دانشنامه جهان اسلام؛ ب: دوری و دیگران، بغداد: چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی،

اسلام،^{۲۵} نوشته عبدالعزیز الدوری است. الدوری خود مدعایش را به کتاب مختصر کتاب البلدان، تألیف ابن فقیه، به تصحیح دخویه، مستند کرده است. این در حالی است که در این کتاب هیچ سخنی از کاغذ بغداد در میان نیست و در مقابل، از انحصار کاغذ به سمرقند سخن رفته است. به هر رو این خطا که در دائرة المعارف اسلام رخ داده است _ خواه از نویسندگان خواه ویراستاران _ به آثار و تحقیقات دیگران راه یافته است.

کاغذ بغدادی در منابع

چنان که گذشت، یکی از منابع محققانی که به بحث درباره ورود کاغذ به جهان اسلام پرداخته‌اند، مقدمه ابن خلدون (د ۸۰۸ هـ) است. او در فصل سی و یکم مقدمه، با عنوان «فی صناعة الوراقه» از انواع مکتوبات یاد و تأکید کرده است که ابتدا بر روی پوست‌های نازک دباغی شده («رُقوق، جمع رِق») نوشته می‌شد؛ سپس با افزایش مکتوبات و نیز به سبب کمبود پوست «... فضل بن یحیی دستور داد کاغذ بسازند، و آن‌گاه که کاغذ ساخته شد فرمان داد تا نامه‌های دیوانی و چک‌های سلطان را بر کاغذ معمولی بنویسند و سپس مردم نیز این نوع کاغذها را برای نوشتن نامه‌هایشان به سلطان و ادارات دولتی و هم برای تألیفات و کارهای علمی برگزیدند و صنعت کاغذسازی ترقی کرد».^{۲۶}

برخی از نویسندگان و محققان نیز با استناد به گزارش‌های مقریزی و قلقشندی (د. ۸۲۱ هـ) معتقدند جعفر بن یحیی برمکی، وزیر هارون الرشید، دستور داد تا دیوان‌ها را فقط بر کاغذ بنویسند.^{۲۷} قلقشندی در کتاب صبح الاعشی فی صناعة الانشاء آورده که هارون

25. Duri, Vol.II/898b.

۲۶. ابن خلدون، مقدمه (ترجمه فارسی)، ۸۴۲/۲؛ ابن خلدون، ۵۳۲/۱؛ «... فأشار الفضل بن یحیی بصناعة الكاغذ و صنعه و كتب فيه رسائل السلطان و صكوكه. و اتخذها الناس من بعده صحفا لمکتوباتهم السلطانية و العلمیة».

۲۷. حتی، ۵۳۱.

الرشید، هم‌زمان با فراوان شدن کاغذ، فرمان داد مردم نباید بر چیزی جز کاغذ بنویسند.^{۲۸} در بسیاری از تحقیقات تنها سندی که برای اثبات وجود کاغذ بغدادی ارائه شده، گزارش قلقشندی است.^{۲۹} مقریزی (د ۸۴۵هـ) نیز گفته که جعفر بن یحیی برمکی، وزیر هارون الرشید، از کاغذ برای دفاتر دیوان‌ها استفاده کرد و کاغذ میان مردم متداول شد.^{۳۰} این دو گزارش در واقع حاکی از یک واقعه می‌تواند بود؛ در یکی به فرمان خلیفه برای استفاده از کاغذ تصریح شده، و در دیگری سخن از به‌کارگیری کاغذ توسط وزیر این خلیفه و رواج آن است. در هر حال این گزارش‌ها متضمن این معناست که با وجود صدور چنین فرمانی که مستلزم استفاده گسترده از کاغذ در تشکیلات دیوانی است، می‌بایست در بغداد نیز کاغذ تولید شده باشد.

اولین پرسش تأمل‌انگیز درباره این گزارش‌ها، خاصه گزارش ابن خلدون آن است که چرا به چنین گزارشی که به وجه مهمی از تاریخ و تمدن مسلمین اشاره دارد، پیش از این نویسندگان سده نهم، در هیچ کدام از انواع کتاب‌های مرتبط با وزرا و کتاب، تراجم و طبقات و کتاب‌های ادبی و جز اینها، یادی از آن نشده است؟ فی المثل جای این پرسش است که کسی چون ابن خلکان که خود را از تبار برمکیان می‌دانست^{۳۱} چرا در شرح حال مبسوط فضل برمکی^{۳۲} علی‌رغم ذکر برخی از جزئیات اقدامات او، اشاره‌ای به این دستور و ساخت کاغذ نکرده است؟

۲۸. قلقشندی، ۵۱۵/۲-۵۱۶.

۲۹. عظیمی، ۱۷۴، ۱۷۸؛ کمابیش مطالب همین مقاله در دو مورد دیگر تکرار شده است: عظیمی، «کاغذ در نسخه‌های خطی ایرانی-اسلامی»، «کاغذ در نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی نسخ خطی»، ۱۳۰-۱۴۶؛ همو، «روند تکاملی تهیه کاغذ».

۳۰. مقریزی، ۱۷۲/۱.

۳۱. ابن شاکر، ۱۱۳/۱.

۳۲. ابن خلکان، ۲۷/۴-۳۶.

حال با صرف نظر از این پرسش‌ها، باید توجه داشت در این روایت ابن خلدون که مورد استناد طرفداران نظریه ساخت کاغذ بغدادی در ربع پاپانی سده دوم قرار گرفته، سخنی از محل ساخت کاغذ و یا از وجود کاغذ بغدادی به میان نیامده است. باین‌همه اینک با مطالعه در زندگی خاندان برمکی، به خصوص فضل بن یحیی، می‌توان امکان تاریخی ساخت کاغذ در بغداد یا سمرقند را ارزیابی کرد.

خاندان برمکی و کاغذ

برمکیان نخستین وزیران دولت عباسیان بودند. خالد بن برمک، از سال ۱۳۳ تا اواخر ۱۳۸ هـ وزیر سفاح و منصور بود.^{۳۳} نقل است که وی از پوست برای دفاتر دیوان‌ها استفاده می‌کرد.^{۳۴} پسر وی، یحیی، از ابتدای خلافت هارون یعنی سال ۱۷۰ هـ وزیر او بود و در ۱۹۰ هـ درگذشت. فضل بن یحیی بعد از پدر وزیر هارون شد و مدتی والی خراسان بود. جعفر بن یحیی پس از برادر در سال ۱۷۷ هـ به وزارت رسید و تا حدود ۱۸۷ هـ در این مقام بود.^{۳۵}

درباره تاریخ امارت فضل بر ایالات ایران و ماوراءالنهر و وسعت این امارت در منابع اختلاف هست. یعقوبی حکومت او را بر خراسان از سال ۱۷۶ هـ و جهشیاری عزیمت او را بدانجا در ۱۷۸ هـ دانسته است. حمزه اصفهانی معتقد است فضل که والی جرجان و سیستان و خراسان و جبال بود ابتدا یحیی بن معاذ را به نیابت از خود در رمضان ۱۷۷ هـ بدانجا فرستاد و خود در صفر ۱۷۸ هـ عازم خراسان شد. دوره حکومت فضل بر خراسان را غالب مورخان ستوده‌اند. او در سال ۱۷۹ هـ عمرو بن شرحبیل را به جای خود گمارد و رهسپار

۳۳. زامباور، ۵.

۳۴. مقریزی، ۱۷۲/۱.

۳۵. زامباور، ۶ و ۱۳.

عراق شد و ظاهراً حکومتش بر خراسان در همین سال به پایان رسید.^{۳۶} حال حتی با قبول این فرض که ابن خلدون (د ۸۰۸هـ)، قلقشندی و مقریزی گزارش‌های خود را بر اساس منابع اصیل و معتبری که در دست داشته، نوشته‌اند باز هم این گزارش‌ها نمی‌تواند مبنای استناد محققان مورد اشاره قرار گیرد و به کار آنان بیاید، چه نویسندگان این روایات محل صدور و اجرای فرمان فضل برمکی را مشخص نکرده‌اند. فضل، چنان‌که گذشت، یک‌چند وزیر هارون در بغداد بود و پس از آن به خراسان رفت و بار دیگر به بغداد بازگشت. از آنجا که فضل بین یک تا سه سال در خراسان بوده، شاید این احتمال منطقی‌تر باشد که فرمانش در خراسان و در شهر سمرقند صادر شده باشد که کاغذش شهرت قطعی یافته بوده و به گواهی منابع، چندسال پس از ۱۳۴هـ کاغذسازی در آن رواج یافته بوده است.^{۳۷}

کاغذ در بغداد پس از عصر هارون الرشید

از این گذشته، در صورت صحت صدور چنین فرمانی و سپس رواج استفاده از کاغذ در بغداد، باید چنین فرض کرد که به‌کارگیری کاغذ در بغداد از عصر هارون بدین سو، گسترش یافته باشد. برای ارزیابی چنین فرضی لازم است گزارش‌های ناظر بر ابزارهای کتابت در دربار عباسیان پس از دوره هارون الرشید محل توجه واقع شود.

یکی از مهم‌ترین موادی که مسلمانان بر آن می‌نوشتند قرطاس بود که منشأ مصری داشت. از گزارش‌های متعلق به دوره عمر بن عبدالعزیز (حک. ۹۹-۱۰۱هـ) و ولید بن یزید^{۳۸} (حک. ۱۲۵-۱۲۶هـ) می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از قرطاس در عصر اموی معمول بوده است. در دوره خلافت منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸هـ) نیز روایتی درباره رواج

۳۶. سجادی، ۶۳-۶۶.

۳۷. نک. آغاز مقاله.

۳۸. جهشیاری، ۳۸، ۴۸.

کاغذ در بغداد به چشم نمی خورد؛ بلکه گزارش مهمی در دست است که حاکی از رواج قرطاس در عصر اوست. منصور که به سبب سخت گیری های مالی به دوانیقی شهرت داشت^{۳۹} با بررسی خزانه خود، متوجه کثرت جمع قرطاس در خزانه شد و دستور داد تا قرطاس ها که به صورت طومار بودند، در بازار فروخته شود، زیرا درآمد حاصل از آن را مفیدتر می دانست؛ اما یک روز بعد از این نظر بازگشت و دستور داد آنها را بفروشند. او علت اصلی این تغییر نظر سریع را چنین شرح داد که چون نوشته ها را روی قرطاس ها می نویسند و این محصول از مصر وارد می شود همیشه بیم آن است که حادثه ای در مصر رخ دهد و مانع رسیدن قرطاس به دارالخلافه شود.^{۴۰} در دوره اخلاف منصور نیز گزارشی از تداوم کاربرد قرطاس در دست است، چنان که به نوشته ابن ندیم، در سال ۱۹۳ که بغداد را سپاهیان مأمون محاصره کرده بودند، دیوان های حکومتی غارت شد. ابن ندیم افزوده چون دیوان ها بر روی پوست نوشته شده بود، مردم بغداد تا چند سال پس از آن، برای نوشتن، پوست های مستعمل دیوان ها را می شسته و دوباره بر آن می نوشته اند.^{۴۱}

علاوه بر این گزارش های حاکی از رواج قرطاس و پوست، گزارش دیگری در دست است که بر اساس آن، در اوایل سده سوم، صنعت کاغذسازی در بغداد شناخته نبوده است.^{۴۲} این گزارش راجع است به ساخت شهر سامراء در حدود سال ۲۲۳ به دستور

۳۹. اتلیدی، ۸۵.

۴۰. جهشیاری، همان، ۸۸-۸۹.

۴۱. ندیم، ۲۳؛ خبر ابن خردادبه هم این مسأله را تأیید می کند (ابن خردادبه، ۲۳۷)؛ قابل توجه است که هر دو از امین به «محمد بن زبیده» تعبیر کرده اند.

۴۲. در تاریخ طبرستان (۱۲۲) گزارشی آمده است که بر کثرت کاغذ در اوایل سده سوم در بغداد دلالت دارد. این حکایت درباره علی بن هشام است: «... هر روز به بادیه منادی فرمودندی که: حیّ علی غذاء الأمیر، معروف و مجهول به خوان او نشستندی، مأمون بفرمود تا به بغداد او را تره و هیزم نفروشند، کاغذ می خریدند و به عوض هیزم می سوختند...». البته برداشت های مختلفی از این متن وجود دارد. در این باره گفته شده که «دلالت بر آن ندارد که آن قدر کاغذ زیاد بود که به جای هیزم می سوزاندند» (زرین کوب، ۴۰، بدون ذکر منبع مطلب)؛ بلکه مقصود این

معتصم.^{۴۳} این خلیفه برای سامان دادن شهر جدید دستور داد تا از سرزمین‌های تحت سلطه خلافت، افرادی را از صاحبان مشاغل و حرف با خانواده‌هایشان به سامراء آورده در آنجا اسکان دهند. در میان این گروه‌ها که هر یکشان محله و بازار مخصوص خود را داشتند قرطاس‌سازان نیز حضور داشتند که از مصر به سامراء آورده شده بودند.^{۴۴} انتقال اینان از مصر به سامراء نشان می‌دهد که در این سال‌ها نمی‌بایست کارگاه‌های کاغذسازی در بغداد ایجاد شده باشد؛ و اگر جز این می‌بود، بایستی به‌جای قرطاس‌سازان مصری، کاغذسازان بغدادی را از بغداد که فاصله کمی با سامراء داشته فرا می‌خواندند.

در همین سال‌ها بایست کاغذ مورد استفاده نویسنده و ادیب پرکار مقیم بغداد، جاحظ (۱۶۳-۲۵۵هـ) بوده باشد. وی در رساله‌ای که در پاسخ به نامه ابن زبیر، وزیر معتصم، واثق و متوکل^{۴۵} نوشته تصریح کرده است که کتاب‌هایش را نه بر پوست، که بر کاغذ چینی و خراسانی می‌نویسد.^{۴۶} نیز از نامه او چنین پیداست که این وزیر خلیفگان عباسی برعکس جاحظ طرفدار نوشتن بر پوست بوده است تا کاغذ. طرفه این که جاحظ برای اثبات برتری کاغذ بر پوست، نامی از کاغذ بغدادی نمی‌برد و فقط از کاغذ چینی و خراسانی یاد می‌کند.

است که «برای آماده ساختن غذا گران‌ترین چیز سوختی را مصرف می‌کرد» (افشار، ۱۷۸-۱۷۹). البته نویسنده در اینجا غیر از نقل نادرست متن تاریخ طبرستان، کار را به مأمون نسبت داده است، در حالی که به نظر می‌رسد علی بن هاشم این کار را کرده است. درباره این علی بن هاشم آملی اطلاعی در دست نیست، مگر این که او همان علی بن هاشم، وزیر مأمون باشد، یعنی علی بن هاشم بن فرخسرو أبو الحسن المروزی، از فرماندهان مأمون و مقتول به دست او در سال ۲۱۷هـ. (ابن عساکر، ۲۶۶/۴۳، ۲۶۹). گفته شده او در به شهادت رساندن علی بن موسی الرضا علیه السلام نقش داشته است (یعقوبی، تاریخ، ۴۵۳/۲). صرف نظر از ناشناختگی علی بن هاشم چنین گزارشی در منابع کهن دیده نشده و از نظر محتوایی هم این گزارش اغراق‌آمیز می‌نماید.

۴۳. یعقوبی، البلدان، ۲۵ به بعد.

۴۴. همو، ۶۵؛ ابن رسته، ۲۶۴.

۴۵. مقتول به دستور متوکل در ۲۳۳هـ.

۴۶. جاحظ، الرسائل الادبیه، ۳۴۱-۳۴۲.

ابن ندیم نیز در الفهرست هیچ اشاره‌ای به کاغذ بغدادی نکرده و فقط از کاغذ چینی و خراسانی نام برده است.^{۴۷}

به نوشته هلال بن مُحَسَّن صابی (د ۴۴۸هـ)، در سال‌های بعد در دوره خلافت معتضد (۲۷۹-۲۸۹هـ) و مقتدر (۲۹۵-۳۲۰هـ)، در دیوان‌ها ضمن استفاده همیشگی از قرطاس، به کارگیری کاغذ هم معمول بوده است.^{۴۸} گرانی کاغذ در زمان ابن فرات، وزیر مقتدر، که به سبب استفاده زیاد از این محصول بوده^{۴۹} شاهدهی است بر کمبود کاغذ و نیز رواج تدریجی کاربرد آن در دیوان‌ها. افزون بر اینها، ابوریحان بیرونی (د ۴۴۰هـ) نیز تصریح کرده که تا نزدیک عصر او، نامه‌های خلفا هم چنان بر قرطاس نوشته می‌شده است.^{۵۰}

از همه این گزارش‌ها می‌توان نتیجه گرفت که اولاً استفاده از کاغذ در دوره عباسیان دست‌کم تا سال‌های میانین سده پنجم رواج کمتری نسبت به قرطاس و حتی پوست داشته است؛ ثانیاً گزارشی حاکی از ساخت کاغذ در بغداد در دست نیست؛ بلکه برعکس در منابع زیادی سخن از واردات کاغذ به بغداد است. عبدالعزیز دوری در کتاب تاریخ العراق الاقتصادية، که آن را به گونه‌ای باید تصحیح مقاله «بغداد» او محسوب کرد، در فهرست صادرات بغداد نامی از کاغذ بغدادی نیاورده است؛^{۵۱} این بدان معناست که کاغذ در شمار تولیدات بغداد نبوده است. او در جای دیگری از این کتاب در فصل «صناعات عراق» نیز که به دقت تمام محصولات ساخته شده در بغداد را نام برده و شرح داده اشاره‌ای به کاغذ نکرده است.^{۵۲} در مقابل، در بخش واردات بغداد، که در آن، محصولات مختلف سرزمین‌ها را نام می‌برد، در میان محصولات وارداتی از ماوراءالنهر کاغذ را مهم‌ترین کالا

۴۷. ندیم، ۲۳.

۴۸. صابی، ۲۶، ۳۷.

۴۹. ابن عمرانی، ۱۵۷.

۵۰. بیرونی، ۱۱۹.

۵۱. دوری، تاریخ العراق الاقتصادية ...، ۱۶۰.

۵۲. همو، ۱۱۶-۱۱۸.

دانسته به واردات کاغذ از چین هم تصریح می‌کند.^{۵۳} گزارش‌های منابع قدیم از وفور کاغذ در بغداد در سده‌های سوم به این سو خود مؤیدی است بر این نظر الدوری. محمد بن غالب تمام (۱۹۳-۲۸۳هـ) در اعتراض به کیفیت پایین کاغذهای شاگردانش در درس حدیث، تأکید می‌کرد که در بغداد کاغذ بسیار ارزان است.^{۵۴} یعقوبی نیز در اواخر سده سوم تصریح کرده که فراوانی کالاها در بغداد بیشتر از خود سرزمین‌های صادرکننده کالاها بوده است.^{۵۵}

از این گذشته، از تصریح برخی منابع به انحصار تولید کاغذ در ماوراء النهر^{۵۶} (سمرقند) و نیز به اشتهار سمرقند به کاغذ سمرقندی که جز در چین و سمرقند یافت نمی‌شده،^{۵۷} و هم‌چنین از تأکید ابن فقیه بر این که کاغذهای مورد خرید و فروش در بغداد کاغذ خراسانی بوده،^{۵۸} می‌توان به آسانی دریافت که در بغداد سده‌های نخستین اسلامی، خبری از تولید کاغذ نبوده و وفور آن حاصل واردات گسترده کاغذهای چینی و سمرقندی بوده است.

آغاز ساخت کاغذ بغدادی

اینک باید پرسید ساخت کاغذ بغدادی که این همه مورد توجه شماری از پژوهشگران دوره جدید واقع شده، از کی آغاز گردیده و مستند به چه منابعی است. در واقع، دشوار بتوان

۵۳. همو، ۱۶۲-۱۶۳.

۵۴. خطیب بغدادی، ۳/۳۶۳؛ جالب این‌که چند برگ قبل‌تر در همین کتاب (۳/۳۱۷) به استعمال کاغذ خراسانی در بغداد اشاره شده است.

۵۵. یعقوبی، البلدان، ۱۴؛ نیز ابن رسته، ۲۳۴.

۵۶. اصطخری، ۲۸۸، او این ویژگی را برای نشادر هم ذکر کرده است: «و لیس فی شیء من بلدان الاسلام النوشادر و الکاغذ الا فی ماوراءالنهر»؛ قس: اصطخری، چاپ مصر، ۱۶۲، که در آن «الکاغذ» آمده است.

۵۷. ثعالبی، ثمارالقلوب، ۵۴۳.

۵۸. ابن فقیه، ۲۹۳.

تاریخی را برای آغاز کار اولین کارگاه کاغذسازی در بغداد در نظر گرفت.^{۵۹} درباره چند و چون تولید این کاغذ فقط همین اندازه می‌دانیم که یاقوت حموی (د ۶۲۶هـ) اولین و قدیم‌ترین نویسنده‌ای است که به ساخت کاغذ در بغداد اشاره کرده است. به نوشته او در کتاب معجم البلدان، در دَائِلِ الْقَرَّ در یک فرسنگی بغداد، به همراه سه محله دیگر، از جمله چهارسوک یا چهارسوج (چهار سوق) کاغذ ساخته می‌شده است.^{۶۰} از گزارش یاقوت که با قید زمانی «فی ایامنا» و «الیوم»، همراه شده، پیداست که کارگاه‌های کاغذسازی در زمان تألیف معجم البلدان، در بغداد دایر بوده است و سابقه وجود آنها را، صرفاً با استناد به این اثر یاقوت، نباید و نمی‌توان تا پیش از زمان او به عقب برد.

نتیجه

در بسیاری از تحقیقات در حوزه تاریخ تمدن اسلامی که امروزه اغلب در مطالعات و دروس دانشگاهی مورد توجه است، اواخر قرن دوم، و گاه به طور دقیق سال ۱۷۹هـ زمان آغاز ساخت کاغذ در بغداد و تولید «کاغذ بغدادی» در نظر گرفته شده است. در برخی از این پژوهش‌ها به منابع متأخر و دست دومی استناد شده است که آنها خود اغلب بدون استناد یا با استناد اشتباه از کاغذ بغدادی سخن گفته‌اند. در دسته‌ای دیگر از این پژوهش‌ها، منابع متعلق به اوایل قرن نهم به‌ویژه، مقدمه ابن خلدون استناد شده است. اما با دقت در گزارش‌های مقدمه و منابع مشابه نمی‌توان ثابت کرد که دستور منتسب به فضل بن یحیی برمکی برای کاغذسازی، در بغداد صادر یا اجرا شده باشد. گزارش رواج و وفور کاغذ از عهد هارون به بعد در بغداد نیز نمی‌تواند دلیلی بر ساخت کاغذ در بغداد باشد، چه اخباری که حاکی از فراوانی و ارزانی کاغذ در بغداد از قرن سوم به بعد است نیز تابعی از جایگاه اقتصادی بغداد و حاصل واردات گسترده انواع کالاها به پایتخت خلافت عباسی در قرن

59. Huart and Grohmann, "Kāghad".

۶۰. یاقوت حموی، ۱۹۴/۲، ۴۲۲: «يعمل في هذه المحال في أيامنا هذه الكاغد» و «و فيها يعمل اليوم الكاغد».

سوم تا ششم هجری بوده است. اساساً از آنجا که تولید کاغذ در سرزمین‌های اسلامی تا پیش از سده هفتم منحصر به سمرقند بوده، سخن گفتن از کاغذ بغدادی در این محدوده زمانی فاقد پشتوانه و مستند تاریخی است. قدیم‌ترین شاهی که بر کاغذسازی در بغداد می‌توان بدان استناد کرد، گزارش یاقوت حموی (د ۶۲۶هـ) است که از کارگاه‌های کاغذسازی در بغداد روزگار خود خبر داده است.

کتابشناسی

- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر و دار بیروت، ۱۳۸۵هـ/۱۹۶۵م.
- ابن اسفندیار، محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، پدیده خاور، ۱۳۶۶ش.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ط الأولى، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۹م.
- ابن خردادبه، عبید الله بن عبد الله، المسالک و الممالک، بیروت، دار صادر، ۱۸۸۹م [أفست لیدن].
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصروهم من ذوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸هـ/۱۹۸۸م.
- همو، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۴/۱۹۷۱م.
- ابن رسته، احمد بن عمر، المجلد السابع من کتاب الاعلاق النقیسة، به کوشش میخائیل یان دخویه، لیدن، بریل، ۱۸۹۱م.
- ابن شاکر کتبی، محمد، فوات الوفيات، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۹۷۳-۱۹۷۴م.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵هـ/۱۹۹۵م.
- ابن عمرانی، محمد بن علی، الإنباء فی تاریخ الخلفاء، تحقیق قاسم سامرائی، قاهرة، دار الآفاق العربیة، ۱۴۲۱هـ/۲۰۰۱م.
- ابن فقیه، احمد بن محمد، البلدان، تحقیق یوسف هادی، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۶هـ/۱۹۹۶م.
- همو، مختصر کتاب البلدان، تحقیق میخائیل یان دخویه، لیدن، بریل، ۱۳۰۲هـ/۱۸۸۵م.

یتلیدی، محمد، إعلام الناس بما وقع للبرامكة مع بنی العباس، تحقیق محمد احمد عبد العزیز سالم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۵هـ/۲۰۰۴م.

اسلامی فرد، زهرا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ش.
اصطخری، ابراهیم بن محمد (د. ۳۴۶هـ)، مسالک الممالک، بیروت، دارصادر، (افست از چاپ لیدن، ۱۹۲۷م.)

همو، مسالک الممالک، تحقیق محمد جابر عبدالعال حینی، قاهرة، الهيئة العامة لقصور الثقافة، ۲۰۰۳م.

افشار، ایرج، کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۰ش.
بغدادی، عبد المؤمن بن عبد الحق، مرصد الاطلاع علی اسماء الامکنة و البقاع، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲هـ.

بیرونی، ابوریحان، تحقیق ما للهند، تحقیق علی صفا، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۳م
بینش، عبد الحسین، آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی، تهران، اداره عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۷ش.

ثعالبی، عبدالملک بن محمد، ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهرة، دارالمعارف، بی تا.

همو، لطائف المعارف، تحقیق P. De Jong، لیدن، بریل، ۱۸۶۷م.
جاحظ، عمرو بن بحر، التبصرة بالتجارة فی وصف ما يستظرف فی البلدان من الامتعة الرفیعة و الاعلاق النفیسة و الجواهر الثمينة، تحقیق حسن حسنی عبد الوهاب، قاهرة، مكتبة الخانجي، ۱۴۱۴هـ/۱۹۹۴م.

همو، الحيوان، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴هـ/۲۰۰۳م.
همو، «رسالة الجد و الهزل»، الرسائل الادبیة، تحقیق علی ابوملحم، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۲۰۰۲م.

جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶ش.
جهشیاری، محمد بن عبدوس، الوزراء والکتاب، تحقیق حسن زین، بیروت، دارالفکر الحدیث، ۱۴۰۸هـ/۱۹۸۸م.

همو، نصوص ضائعة من كتاب الوزراء والکتاب، جمعها میخائیل عواد، بیروت، دارالکتب اللبنانی، ۱۳۸۴هـ/۱۹۶۴م.

- حبیبی، عبدالحی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، تهران، افسون، ۱۳۸۰ ش.
- حتی، فیلیپ خلیل، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه، ۱۳۶۶ ش.
- حسن، حسن ابراهیم، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۶۳ ش.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷هـ/۱۹۹۷م.
- دوری، عبدالعزیز، تاریخ العراق الاقتصادي فی القرن الرابع الهجری، بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۱۹۹۵م.
- همو و دیگران، بغداد: چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی، ترجمه اسماعیل دولتشاهی و ایرج پروشانی، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- همو، «بغداد»، ترجمه مصطفی مؤمنی، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۳، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- دمیرچی، شهاب الدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ ش.
- رباصی، مفتاح یونس، المؤسسات التعليمية فی العصر العباسی الاول، مصراته، جامعة ۷ اکتوبر، ۲۰۱۰م.
- روسو، پیر، تاریخ صنایع و اختراعات، ترجمه حسن صفاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۶ ش.
- زامباور، ادوارد، نسب نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلام، ترجمه و تحشیه محمد جواد مشکور، تهران، خیام، ۲۵۳۶ شاهنشاهی [۱۳۵۶ ش].
- زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش.
- سجادی، سید صادق، تاریخ برمکیان، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۵ ش.
- صابی، هلال بن محسن، تحفة الأمراء فی تاریخ الوزراء، تحقیق عبد الستار أحمد فراج، بی جا، مكتبة الأعیان، بی تا.
- عظیمی، حبیب الله، «روند تکاملی تهیه کاغذ»، مجموعه مقالات کنگره استاد میرزا احمد نیری، به کوشش منصور طبیعی و علی اکبر صفی پور، شیراز، بنیاد فارس شناسی، ۱۳۹۰ ش.
- همو، «کاغذ در نسخه شناسی و کتاب پردازی نسخ خطی»، آینه میراث، شماره ۴۲ (ویژه نامه نسخه شناسی)، پاییز ۱۳۸۷.

همو، «کاغذ در نسخه‌های خطی ایرانی- اسلامی»، فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، دوره ۲۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰.

قره‌چانلو، حسین، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۰ ش.

قلقشندی، احمد بن عبدالله، *صبح الأعشى في صناعة الإنشاء*، تحقیق محمد حسین شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.

مایل هروری، نجیب، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

مصاحب، غلامحسین، «کاغذ»، دایرة المعارف فارسی، تهران، امیرکبیر، کتاب‌های جیبی، ۱۳۸۰ ش.

مقریزی، احمد بن علی، *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار*، تحقیق خلیل المنصور، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸/هـ/۱۹۹۸ م.

ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۱ ش.

ولایتی، علی اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶ ش.

یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.

یعقوبی، أحمد بن إسحاق، *البلدان*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲/هـ/۲۰۰۲ م.

همو، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.

- Duri, A.A., "Baghdād", *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition. Edited by P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs. Brill Online, 2015.
- Huart, Cl.; Grohmann, A., "Kaghād", *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition. Edited by P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs. Brill Online, 2015.
- Sellheim, R., "Kirtās", *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition. Edited by P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs. Brill Online, 2015.